

## برنامه ریزی و مدیریت حوزه های آبخیز

### روشهای عملی مشارکت مردم در

#### مقدمه

در ارتباط با اهمیت آبخیزداری به عنوان حافظ منابع طبیعی (جنگل، مرتع، آب و خاک) در اقتصاد کشور و ضرورت احیاء و بهره برداری بهینه از آن، هر ساله نظریات زیادی مطرح می گردد. این نکته که برای حفظ و احیای این منابع خدادادی باید نهایت تلاش و جدیت به عمل آید، برکسی پوشیده نیست، در اینکه هر چه زمان می گذرد از وسعت این منابع نیز کاسته می شود هم شکی وجود ندارد، اما آنچه که در این ارتباط بسیار حائز اهمیت می باشد چگونگی حفظ، احیاء و بهره برداری مناسب از این منابع است. چرا که با پیشرفت تکنولوژی و افزایش جمعیت، انسان قرن بیستم شتابان و با حداکثر بهره برداری از منابع طبیعی تجدید شوند؛ تعادل اکو سیستم های طبیعی را برهم زده است و اکنون ساکنان این سفینه کوچک با تهدیدی جدی روبرو هستند. سالانه درصد بسیار بالایی از این منابع به دلایل گوناگون دچار تخریب می شوند. براساس آمار موجود، فقط در شمال کشور مساحت جنگلها از ۳۴۰۰ هزار هکتار در سال ۱۳۴۱ به ۱۸۰۰ هزار هکتار در سال ۱۳۶۵ تقلیل یافته است. علاوه بر اینها مراتع نیز دچار چنین وضعیتی بوده است، با اینکه مراتع تنها جوابگوی تغذیه حدود ۱۶ میلیون واحد دامی در سال است، در حال حاضر حدود ۶۰ میلیون واحد دامی در آن چرا می نمایند. به این ترتیب روز به روز به میزان تخریب و تبدیل آن به بیابانهای خشک و کویری افزوده می گردد.

طبق آمار موجود، به علت فرسایش شدید خاک، سالانه حدود یک هزار میلیارد ریال خسارت مستقیم و غیرمستقیم به منابع کشور وارد می شود. بررسی میزان فرسایش خاک در دهه های ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ حاکی است که در سال ۱۳۵۰، یک میلیارد تن در سال ۱۳۶۰ یک و نیم میلیارد تن و در سال ۱۳۷۰، ۲/۵ میلیارد تن فرسایش خاک داشته ایم که خود گویای ۲۵۰ درصد افزایش در میزان تخریب خاک کشور است. می دانیم که فرسایش شدید خاک، به نابودی مواد غذایی موجود در داخل خاک منجر می شود. آمار موجود در این زمینه نشان می دهد، سالانه حدود ۷/۶ میلیارد دلار از مواد غذایی موجود در خاک از بین می رود.

آب به عنوان مایه حیات انسان و دیگر

موجودات زنده علاوه بر مصارف آشامیدنی، در کشاورزی و صنعت نیز کاربرد وسیعی دارد، اما امروزه به علت بهره برداری نادرست از منابع آبی بویژه عدم کنترل و هدایت نزولات جوی، از بین رفتن پوشش گیاهی و عدم توجه به منابع طبیعی و احیای آن و... هر ساله شاهد وقوع سیلابهای مخرب در جای جای میهن اسلامیمان هستیم. بررسی آمار موجود در این زمینه حاکی است که در ۴۰ سال اخیر سالانه بیش از ۳۸ مورد سیل در کشور بوقوع پیوسته و مجموع سیلهای مهم کشور از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۷۰ بالغ بر ۱۲۶۰ مورد بوده است، تنها در همراه سال گذشته قسمتهایی از کشور بخصوص سواحل شمالی از میزان بارندگی بالایی با میزان تخریب بوده، بطوری که تقریباً در سالهای اخیر بی سابقه بوده است. از جمله: حوزه شیخ موسی بابل، سیل حوزه هراز آمل، سیل حوزه های وازرود، ناپلارود، لایوچ شهرستان نور و بالاخره سیل خانمان برانداز شهرستان نوشهر و چالوس را می توان نام برد.

خسارات وارده به شهرستان نوشهر و روستاها شامل: تخریب راه ارتباطی ۱۳ مورد، آسیب دیدگی شبکه برق و آب ۶ مورد، از بین رفتن اراضی زراعی و باغات در سطح وسیع، تخریب واحدهای مسکونی بصورت کلی و جزئی ۴۵۰ مورد و تلفات جانی ۳ نفر. برآورد کل خسارات وارده در سطح شهرستان نوشهر در اثر وقوع سیلاب از سوی کارشناسان ذریبط رقمی معادل ۵۰ میلیارد ریال تعیین گردیده است.

حال با توجه به وضعیت فوق و عرصه های وسیع منابع طبیعی (بالغ بر یک میلیون و ۶۰۰ هزار کیلومتر مربع که از مجموع آن ۵۵ درصد مرتع، ۷ درصد جنگل، ۲۱ درصد بیابان و کویر، ۱۴/۴ درصد اراضی کشاورزی و ۲/۲ درصد اراضی شهری) چگونه می توان به تعادل گذشته بازگشت؟ آیا بدون مشارکت مردم چنین مسئله ای امکان پذیر است؟ یا اینکه با مشارکت و مداخله آنان و سازماندهی منطقی و مناسب در مدیریت و نحوه بهره برداری صحیح می توان به گسترش و احیای این منابع عظیم و سرشار نایل آمد؟ مقاله حاضر با بررسی این نکته، سعی می کند با تاکید بر جلب مشارکت مردم، در حفظ، احیاء و بهره برداری مناسب از این منابع سرشار بپردازد.

## ■ تعریف آبخیزداری و اهمیت آن در منابع طبیعی

آبخیزداری عبارتست از: مدیریت کلیه منابع طبیعی و انسانی در یک حوزه آبخیز.

چون منابع طبیعی عملاً در حوزه آبخیز قرار دارند، مدیریت در منابع طبیعی زیربخشی است از مجموعه آنچه که به اسم مدیریت آبخیز تعریف می‌شود. در مورد اهمیت آن باید پیام رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) را آویز گوش قرار دهیم که فرمودند: "زمانی به استقلال واقعی خواهیم رسید که از لحاظ مواد غذایی خودکفا باشیم." چرا که ما هم مشکل جمعیت داریم و هم مشکل منابع طبیعی، یعنی جمعیت کشور تا سال ۱۳۹۰ به شرط اجرای سیاست جمعیتی موفق دولت، به مرز ۹۶ میلیون نفر خواهد رسید. در حالیکه کشاورزی آن به علت عدم برنامه ریزی در دهه های گذشته جوابگوی ۵۰ میلیون نفر است.

از سال ۱۳۶۰ به بعد هر ساله ۱/۵ درصد از سطح مراتع کاسته شده است که با توجه به این تخریب در بخش آب و خاک هم، دارای مسایل جدی هستیم، زیرا هر ساله میلیونها تن رسوب در پشت سد ها جمع می‌شود و عمر مفید آنها را کاهش می‌دهد و سیلابها هر ساله صدمات جبران ناپذیری به قسمتی از این سرزمین وارد می‌کند.

مسئله "تخریب منابع طبیعی و بخصوص از بین رفتن پوشش گیاهی زمین اثر بسیار مهمی در بروز سیلابها داشته است، ما حاصل کلام آنکه استقلال در کشاورزی، بدون حفاظت منابع طبیعی مفهوم عینی پیدا نخواهد کرد. اینجاست که باید با روشن شدن افکار مردم به لزوم هرچه بیشتر توسعه و تعمیم آموزش و ترویج فرهنگ حمایت از منابع طبیعی تاکید کرد و جمله بسیار زیبا و پرمعنای رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای که نقش هزاران مقاله را در خود نهفته است تکرار کنیم که: "فرهنگ منابع طبیعی باید به معارف عمومی تبدیل شود" لذا ما باید در راستای این سخن گرانها درخصوص مشارکت مردم در حفظ و احیاء منابع طبیعی کوشا باشیم.

## ■ بررسی ضرورت مشارکت مردم

در مباحث مربوط به مشارکت یکی از ابعاد یکی از ابعاد بسیار بر آن تاکید می‌شود، دخالت دادن مردم در کارها و فعالیتهای مربوط به خویش از طرح مساله یا نیاز گرفته، تا دخالت در تصمیم گیری، اجرا، نظارت، بهره‌برداری، حفظ و مراقبت و در نهایت ارزشیابی امور غیره ... است. دخالت و شرکتی که معمولاً منجر به سهیم شدن افراد در نفع و سود دهی طرحها و پروژه ها و قبول مدیریت و هدایت فعالیتهای می‌گردد. معمولاً در توجیه اقتصادی، اجتماعی حضور مردم و شرکت و مداخله آنها در فرآیندهای مذکور نیز این استدلال وجود دارد که با حضور و سهیم کردن مردم در این طرحها و فعالیتهای نتایج مثبت زیر حاصل می‌شود.

- ۱- تشکیل گروههای متشکل برای روبه رو شدن با مشکلات و مسایل حاد جامعه
- ۲- ایجاد همفکری و تبادل افکار
- ۳- رفع نیازهای رزمه خود از طریق همیاری
- ۴- افزایش میزان بازدهی
- ۵- تسریع در روند اجرای فعالیتهای
- ۶- کاهش هزینه های عملیاتی
- ۷- کوشش در جهت حفظ و مراقبت از فعالیتهای
- ۸- رشد استعدادها و خلاقیت های محلی
- ۹- افزایش روح همبستگی
- ۱۰- بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و ...
- ۱۱- بهره گیری منطقی و اسفاده درست از امکانات و تسهیلات ایجاد شده (منابع موجود)
- ۱۲- افزایش آگاهی اجتماعی و ارتقای سطح تواناییهای آنان و ...

با توجه به موارد فوق که به عنوان عملکرد مشارکت و حضور فعال مردم در طرحها و فعالیتهای مربوط به جامعه خویش قلمداد می‌گردد؛ این سوال اساسی مطرح است که آیا در ارتباط با احیاء و توسعه منابع طبیعی می‌توان بدون حضور و مشارکت مردمی که در حال حاضر از این منابع بهره‌برداری می‌سایند، دست به احیاء و گسترش این منابع زد؟ مشارکتی که از بهره‌برداری تا مدیریت آنها شامل گردد؟ چنانچه این حضور و مشارکت امکان پذیر است، چه شیوه‌ها و مکانیزمهایی باید اتخاذ نمود تا همراه با بهره‌برداری درست و منطقی، به تخریب و زوال این منابع منجر نشود؟

با نگاهی به تاریخچه نظام بهره‌برداری و مدیریت منابع طبیعی در گذشته و مقایسه آن با زمان حال، همزمان با تغییر و تحولات عمده‌ای که در عرصه های مختلف اقتصادی و اجتماعی ایجاد گردید، تعادل به هم خورد و همراه با تحولات تکنولوژیکی، جمعیتی (اعم از دام و انسان) و مدیریتی، این نظام هم دچار تغییر و تحول گردید. از اینجا بود که نوعی نگرانی و پریشان حالی در ارتباط با منابع طبیعی در گوشه و کنار کشور بروز کرد. این نگرانی ناشی از به کارگیری تکنولوژی مدرن در بهره‌برداری سریع از منابع (بخصوص جنگل)، رشد جمعیت، افزایش تعداد دام و هجوم سیل آسای آن به مراتع و منابع فوق بود. کاهش یا حذف نظام مدیریتی گذشته بطور خلاصه این سه عامل (تکنولوژی جدید، مدیریت و افزایش جمعیت)، موجب شد؛ در کشور ما در چند دهه گذشته تعادل موجود برهم بخورد و منابع طبیعی ما دچار نقصان شود. در حال حاضر با وضعیتی مواجه ایم که سالانه درصد بسیار بالایی از این منابع به دلایل گوناگون دچار تخریب می‌شوند.

با توجه به گستردگی منابع طبیعی، دولت به تنهایی قادر به احیای این منابع نیست. آمارهای موجود نشان می‌دهد، از ۱۶۵ میلیون هکتار منابع طبیعی، حدود ۱۸ - ۱۶ میلیون هکتار آن زمینهای زراعی ۳۰ - ۲ میلیون هکتار عرصه شهرها و راهها و مساحت عرصه های منابع طبیعی کشور چیزی بین ۱۳۰ - ۱۲۰ میلیون هکتار می‌باشد. با تفکیک عرصه‌های مرتعی و جنگلی و بیابانها از یکدیگر اگر سالانه قادر باشیم چیزی حدود یک میلیون هکتار از مراتع را اصلاح کنیم و زیر پوشش ببریم، به زمانی بین ۱۰۰ - ۸۰ سال نیازمند بود و اگر بخواهیم بیابانها را که مساحتی ۱۰۴ میلیون هکتار دارد کنترل یا آباد کنیم چندانکه ۶۱ به درازا خواهد کشید. بنابراین دولت در این قضیه به مشارکت مردم نیاز دارد. ضرورتی که در آن با مشارکت دادن مردم هم در نحوه مدیریت و مالکیت و هم در بسیج آنها به منظور احیاء و گسترش عرصه‌های منابع طبیعی می‌توان گامهای اساسی در زمانهای کوتاه برداشت.

## ■ انواع مشارکت

بطور کلی، الگوهای پیشنهادی را به دو دسته تقسیم می‌نمایند:

مشارکت و همکاری مردم به شیوه دگریاری.

مشارکت و همکاری مردم به شیوه همیاری و سهیم شدن در سود آن.

در شیوه اول می‌توان در عرصه‌های مختلف منابع طبیعی، به بسیج نیروهای داوطلب، بیرون از جامعه بهره‌بردار پرداخت، به این ترتیب که با استفاده از نیروهای جوان داوطلب شهری و روستایی در زمینه‌های مختلف - بذرکاری، نهالکاری و ... اقدامات وسیعی را در زمان کوتاهی انجام داد. در جامعه ما خوشبختانه پتانسیل آزاد نیروی انسانی - بخصوص اقشار جوان - به میزان زیادی وجود دارد. در این مورد از نیروهای جوان دانشگاهی تحت عنوان "جمعیت سبز" گرفته تا نیروهای بیکار ندامتگاهها و زندانهای کشور، دانش آموزان و نظامیان (سرباز) را باید نام برد. نیروهایی که مدت زیادی از وقت خویش را در بیکاری پنهان یا آشکار و سرگردانی می‌گذرانند و مناسبانه، هنوز برنامه ریزی مناسبی برای استفاده بهینه از این نیروها و اوقات به عمل نیامده است.

نیروهای سرباز و سپاهی دارای پتانسیل بالقوه زیادی هستند که در اغلب کشورهای جهان، بخصوص در زمان صبح، برنامه‌های متنوعی برای استفاده از این نیروها در عرصه تولید و توسعه کشور وجود دارد. در کشور ما نیز با توجه به تعداد زیاد این نیروها، می‌توان منابع طبیعی را یکی از عرصه‌های مشارکت دادن آنها، در روند تولید و توسعه کشور تعیین کرد. منابعی که با داشتن شرایط حاد تخریب، عزم ملی و بسیج عمومی احاد ملت را طلب می‌کند. به وسیله سازماندهی و بسیج نیروهای داوطلب دانش آموزی مدارس و دبیرستانها را با آموزش لازم در مدت زمانی کوتاه و با هزینه اندک می‌شود صدها رانکه، هزاران هکتار از منابع طبیعی در حال تخریب را حیات بازسازی کرد.

الگو و شیوه دوم مشارکتی، جلب مشارکت و همیاری خود بهره‌برداران محلی در عرصه‌های مختلف منابع طبیعی و واگذاری امور فعالیتها با

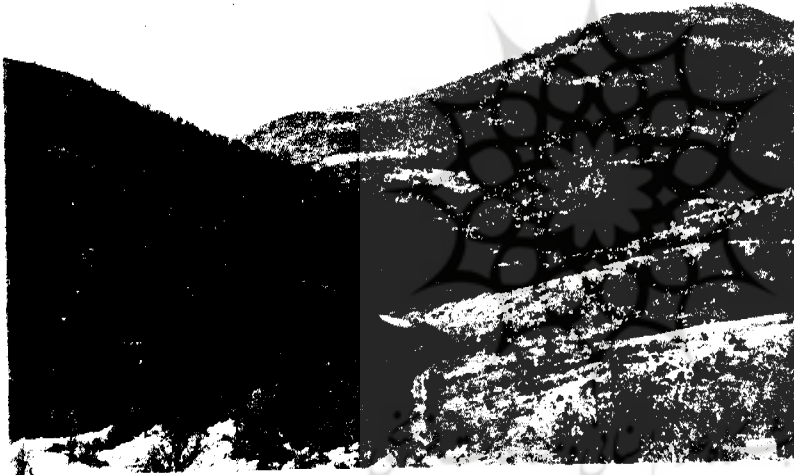
آنان می‌باشد که در این زمینه باید از سازماندهی تعاونهای مختلف، بسیج مردم در امر تولید، کشت نهالهای مقاوم در عرصه‌های شن روان، واگذاری کنترل دام و مرتع و مدیریت حریم توسط مردم - طبق روال سنتی و عرف محل - مشارکت مردم در امر جنگل کاری و واگذاری حفاظت آن به خود مردم و... نام برد.

اتخاذ چنین شیوه‌ها و الگوهایی تا کیدی است بر این اصل که مردم باید در سرنوشت این منابع دخیل باشند. بخصوص زمانی که مسئله اشتغال و حفظ و نگهداری مناسب در فعالیتهای مطرح است.

برای مشارکت و همیاری در منابع طبیعی استفاده نماید شرح زیر است:

## الف - تولید نهالهای جنگلی و بوته‌های مرتع

برای اینکار باید تسهیلاتی در اختیار افراد و روستاییان قرار داد تا نسبت به تولید و بازاریابی نهالهای مختلف و بوته‌های مورد نیاز مراتع اقدام نماید. این کار هم موجب اشتغال زایی افراد و هم موجب کسب درآمدی برای روستاییان خواهد گردید. با توجه به اینکه تولید نهال در کشور ما از مقدار مورد نیاز کمتر است؛ چنین مساله‌ای با جلب



مشارکت مردم از اهمیت خاصی برخوردار است.

## ب - مشارکت در جنگل کاری و واگذاری حفاظت آن

یکی از راههای اساسی جلب مشارکت مردم در منابع طبیعی، دخیل کردن مردم در مسایل مختلف جنگل و مرتع می‌باشد، یعنی: دولت بجای اینکه خود جنگل کاری کند، از افراد روستایی ساکن در عرصه‌های جنگل استفاده نماید. علاوه بر آن، امر جنگل کاری را می‌توان به تعاونیهای روستایی واگذار نمود. در چنین چنین کاری این است که هم تولید را هم کشت نهال و نه آنها واگذار کرده است. زمانی که عرصه جنگل کاری به مردم سپرده شود، می‌توان کار حفاظت و مراقبت از جنگل را نیز به خود روستاییان می‌توان سپرد. پس هنگامی که خود این

در این زمینه می‌توان از تجارب کشورهای دیگر در زمینه مردمی کردن منابع طبیعی استفاده کرد. الگوهایی مثل: جنگل کاری روستایی، جنگل کاری مردمی، مردمی کردن مدیریت مراتع و آبخیزداری از مسواری است که در دهه اخیر در بسیاری از کشورهای جهان سوم رواج یافته است و هر روز نیز گسترش می‌یابد. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد: تا زمانی که مردم در سرنوشت خود و نوع فعالیت یا برورد سهم نداشته، در حفظ و نگهداری و احیای آن چندان نقش اساسی و مسواری نخواهند داشت.

## ■ زمینه‌های مشارکت مردمی در منابع طبیعی

بطور کلی، زمینه‌هایی که دولت می‌تواند از آنها

افراد در چنین زمینه هایی شرکت داده شوند، به تبع آن یک نوع حس مسئولیت و تعلق در افراد ایجاد خواهد شد. این عمل موجب بهره‌برداری مناسب از منابع عظیم خدادادی و حفظ و مراقبت، از آن می‌شود و از تخریب بی‌رویه منابع فوق‌تا حدودی جلوگیری خواهد شد.

### ج - مشارکت در جمع‌آوری بذر و کاشتن آن در عرصه‌های مناسب مرتعی

یکی دیگر از اموری که بابسیج و مشارکت گسترده قشر عظیم مردمی انجام می‌گیرد، تهیه بذر و کاشتن آن در عرصه‌های مختلف منابع طبیعی است. بابسیج نیروهای داوطلب مردمی و واگذاری کار به بهره‌برداران و ساکنان مناطق روستایی و عشایری، اعم از زن و مرد می‌تواند در زمان محدودی بخش وسیعی از مراتع کشور را بذرکاری نمود. چنین عملی هم موجب صرفه‌جویی در وقت و هم صرفه‌جویی

میلیون هکتار شزار و ۵ میلیون هکتار تپه‌شنی فعال است. سالانه ۶۰۰ هزار هکتار از مراتع تخریب می‌شود. لذا با توجه با جلب مشارکت افشارگوناگون مردمی در امر تولید و کشت نهالهای مقاوم در مناطق کویری، باید تا اندازه‌ای از تبدیل منابع طبیعی و مراتع کشور به منطقه خشک کویری جلوگیری نمود.

### ه - واگذاری مدیریت مراتع و منابع طبیعی به مردم

یکی از دلایل عمده تخریب عدم احساس مسئولیت و مشارکت مردم است، چراکه مردم خود را ذینفع نمی‌بینند و سهمی در سرمایه‌های بازگشتی ندارند. با واگذاری مراتع به مردم و دادن مدیریت آن به افراد و تامین کود، بذر و بوته مورد نیاز آنها می‌توان هم در جهت احیاء و مراقبت مراتع قدم اساسی برداشت و هم بخش وسیعی از نیاز گوشت کشور را تامین کرد. در مورد جنگلها نیز با دراختیار گذاشتن

## ● در کشور ما نیروهای سرباز و سپاهی زیادی وجود دارد که می‌توان با مشارکت دادن آنها در روند تولید و توسعه کشور گامهای موثری برداشت، همچنین با سازماندهی و بسیج نیروهای دانش آموزی و آموزش دادن به آنها با هزینه اندک هزاران هکتار از منابع طبیعی در حال تخریب را احیاء کرد.

در هزینه است. نمونه بارز چنین امری، در حال حاضر کارهای بسیجی و مشارکتی است که سازمان جنگلها و مراتع کشور، با همکاری معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد، در مناطق مختلف کشور انجام می‌دهد.

### د - بسیج مردم در امر تولید و کشت نهال مقاوم در عرصه‌های کویری

با توجه به تخریب شدید مراتع و از بین رفتن پوشش گیاهی در مناطق مختلف و تبدیل این مراتع به مناطق کویری و فرسایش خاک و ... عملاً هر ساله بخش وسیعی از اراضی مرتعی به زمینهای خشک و عاری از پوشش گیاهی تبدیل می‌گردد. در حال حاضر کشور ما حدود ۳۴ میلیون هکتار بیابان دارد که قبلاً مرتع بوده است. از این مقدار ۲۸

۱۳۴۱، ما با نوعی خلاء مدیریت در این منابع مواجه شدیم که به عنوان عامل مهمی در تخریب منابع درآمد و در حال حاضر نیز آثار زیانبار آن بر دوش منابع طبیعی سنگینی می‌کند. قبل از ملی شدن جنگلها و مراتع به لحاظ وجود مدیریت و منافع افراد (بخصوص خوانین و مالکان)، عملاً نظمی منطقی در بهره‌برداری مراتع حاکم بود تا از تخریب بی‌رویه آن جلوگیری شود، ولی از زمانی که چنین مدیریتی متلاشی گردید، ما با واقعیت بسیار تلخی - تحت عنوان تخریب منابع طبیعی - مواجه شدیم که روز بروز نیز وسعت آن فزونی می‌یابد. اگر چه احیاء نظام مدیریتی گذشته نه مقرون به صرفه و نه امکان پذیر است، لکن باید تحت قواعد و وضعیت جدید، نوعی مدیریت سالم و جدید طراحی و پیشنهاد نمود، تا در آن ضمن مشارکت افشارگوناگون و وسیع مردم، از تخریب و انهدام این منابع جلوگیری شود.

تشکیل تعاونیهای جدید می‌تواند از جمله این مکانیزمهای مدیریتی باشد، واگذاری مدیریت حریم توسط مردم بر طبق روال سنتی و عرف در محل را هم یکی دیگر از این مکانیزمهای مشارکتی می‌توان قلمداد کرد. با توجه به شرایط و کمبودهای اساسی موجود در کشور و عرصه وسیع این منابع طبیعی شکی نیست که لازم است، بسیاری از این عرصه‌های منابع طبیعی به خود مردم راگذار شود. برای همگانی کردن مسئله مشارکت مردم و استفاده از نیروهای مردمی اهرمهای گوناگونی وجود دارد.

از طریق ترویج و آموزش، این فرهنگ را در مردم باید ایجاد کرد که نگهداری و مواظبت از منابع طبیعی، یک وظیفه دینی و ملی است و این باور را به صورتی نهادینه و به عنوان یک ارزش در نهاد مردم نشانند و عزم ملی آنان را جهت حفاظت و مراقبت از آن جزم نمود.

### ■ برنامه پیشنهادی مشارکت عملی مردم، برای اجراء در سطح وسیع

برنامه پیشنهادی شامل پنج مرحله است که در هر یک از مراحل کارهای خاص انجام خواهد شد، در عین حال بین مراحل مختلف، ارتباط ارگانیک وجود دارد. هدف نهایی، مدیریت بر منابع یعنی

عرصه‌های مختلف، به جنگل نشینان و تامین علفه مورد نیاز برای دامها، هم امکان فلس کشی و پروراندی برای دامهایشان فراهم می‌آید، هم از تخریب و انهدام درختان جنگلی جلوگیری می‌شود. علاوه برآن موجبات اشتغال و افزایش درآمد و در نهایت پروتئین لازم برای کشور، فراهم می‌گردد.

تحقیقات اخیر نشان داده است که یکی از علل عمده تخریب منابع طبیعی در کشور ما عدم احساس مسئولیت و عدم مشارکت در مالکیت جنگلها و ذینفع نبودن جنگل نشینان می‌باشد. در این زمینه، به جرات می‌توان گفت: تا زمانی که مردم در یک فعالیت خود را سهم و ذینفع نبینند؛ امکان مشارکت و محافظت آنان ایجاد نخواهد شد.

پس از ملی شدن جنگلها و مراتع در سال

حفظ، احیاء، اصلاح و بهره‌برداری مطلوب توسط بهره‌برداران، با نظارت کارشناسان و به پشتوانه قانون است، مراحل مختلف عبارتند از: ۱- شناسایی ۲- سازماندهی ۳- آموزش ۴- تلفیق مراحل سه گانه ۵- برنامه ریزی ۶- مدیریت.

### ۱- مرحله شناسایی

هدف از شناسایی عبارتست از: شناسایی محدود، مراتع موجود، شناسایی بهره‌برداران فعلی، تهیه نقشه محدود، مراتع و بهره‌برداران بدون معارض و نقشه محدود، مراتع و بهره‌برداران دارای معارض و نهایتاً تهیه نقشه نهایی و قابل قبول از محدوده مراتع و بهره‌برداران. بدیهی است انجام این عمل از مکانیزم خاصی برخوردار است. این روش با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و بازدیدهای محلی به راحتی و حداکثر ظرف مدت و سال قابل اجرا است. در ضمن یکی دیگر از اهداف مرحله شناسایی، انجام مطالعات پایه‌ای به منظور استفاده در مرحله چهارم، یعنی: برنامه ریزی می‌باشد که به این منظور نیز اکیپهایی تشکیل می‌گردد و این کار را انجام می‌دهند.

### ۲- سازماندهی

بلافاصله پس از شناسایی بهره‌برداران فعلی، براساس واحد حوزه آبخیز و یا براساس محدوده سیاسی هر شهرستان، سازماندهی می‌گردند و ضمن تشکیل کلاس، آموزش لازم را نیز فراخواهند گرفت. همچنین نمایندگان بهره‌برداران در سطح هر واحد حوزه یا شهرستان، براساس واحدهای حوزه های آبخیز اصلی متشکل می‌شوند و در نهایت نمایندگان آنها در سطح استان نیز سازماندهی می‌گردند. در کنار هر شورا یک نفر تکنسین یا کارشناس مسئول قرار می‌گیرد، به این ترتیب عملاً در کنار ادارات منابع طبیعی شوراهایی تشکیل می‌شود که در واقع ادارات واقعی منابع طبیعی خواهند بود. یعنی: همان بهره‌برداران.

هدف از آن تشکلهای عبارتست از: آموزش بهره‌برداران، استفاده از نقطه نظرات آنان در جهت شناخت بهره‌برداران واقعی در مناطق دارای معارض، استفاده از نظرات آنها در جهت حل مشکلات و برنامه ریزیهای واقع بینانه و در نهایت

مدیریت بر منابع طبیعی توسط خود آنها. به این ترتیب در این مرحله از کار، مشارکت بصورت واقعی (در پایه گذاری برنامه) شکل خواهد گرفت.

### ۳- آموزش

همزمان با شروع سازماندهی، این مرحله از کار نیز آغاز می‌گردد، برنامه های آموزشی براساس اهداف مورد نظر انجام خواهد شد، سرانجام آموزش، جایگاه خاص خود را پیدا خواهد کرد و روز به روز نقش آموزش وسیع تر و گسترده تر خواهد شد.

### ۴- تلفیق مراحل سه گانه فوق

پیش بینی می‌شود، حدود ۴ سال پس از شروع طرح، براساس مجموعه اطلاعات حاصل از شناسایی، سازماندهی و آموزش، می‌توان در یک جمع بندی نقشه جامعی از محدوده مراتع موجود و بهره‌برداران واقعی تهیه نمود. نقشه‌ای که در آن علاوه بر نقطه نظرات کارشناسان، نقطه نظرات بهره‌برداران نیز اعمال شده باشد. نقشه ذکر شده به

بهره‌برداران و راهنمایی کارشناسان، طرحهای کوچک براساس شرایط هر منطقه تهیه می‌شود.

### ۶- مدیریت

براساس طرحهای تهیه شده در محدوده هر مرتع، عملیات اجرایی انجام پذیر است، طرحهایی که با مشارکت خود مرتعداران تهیه شده و مشکلات آنها براساس مجموعه شرایط بررسی شده است. بدیهی است در این مرحله مسئله کاهش دام، رعایت فصل چرا، جلوگیری از تخریب و در صورت نیاز مسایل علوفه کاری و یا بهبود کیفیت مرتع و عملیات ذخیره نزولات و حتی کارهای مکانیکی به راحتی امکان پذیر است. نتیجه مجموعه اقدامات فوق کار واقعی حفظ، احیاء و بهره‌برداری مطلوب از منابع طبیعی را در پی دارد هرچند در شروع کار هدایت فنی کارشناسان و کمکهای مالی مورد نیاز است ولی بدلیل حفاظت توسط مالکین، کار استمرار خواهد یافت و به سرنوشت اکثر طرحهای موجود دچار نخواهد شد. علاوه براین در صورت اجرای این

## ● مسلمانان تخریب منابع طبیعی و بخصوص از بین رفتن پوشش

### گیاهی زمین اثر بسیار مهمی در بروز سیلابها داشته است

برنامه، آموزش جایگاه واقعی خود را پیدا خواهد کرد. همچنین منابع طبیعی کشور، با استفاده از چند صد هزار بهره‌بردار دلسوز، روند مناسبی طی خواهد کرد و از فقیرا نجات خواهد یافت.

منابع وماخذ:

۱- جهاد سازندگی، جهاد (مجله علمی، اجتماعی، اقتصادی) انتشارات وزارت جهاد سازندگی، شماره‌های ۱۶۲ و ۱۶۳.

۲- ماهنامه پیام جهاد سازندگی، ارگان اداره کل روابط عمومی وزارت جهاد سازندگی، سال اول، شماره ششم، اسفند ۱۳۷۱.

۳- ماهنامه پیام جهاد سازندگی، ارگان اداره کل روابط عمومی وزارت جهاد سازندگی، سال دوم آبان ۱۳۷۲.

۴- ماهنامه پیام جهاد سازندگی، ارگان اداره کل روابط عمومی وزارت جهاد سازندگی، سال دوم، بهمن و اسفند ۱۳۷۲.

احتمال ۹۰ درصد عاری از مشکل خواهد بود. اگر روزی چنین نقشه‌ای تهیه گردد، در واقع کلید حل مشکلات بدست آمده است. در مرحله بعد نقشه تهیه شده باید تثبیت گردد و جنبه قانونی پیدا نماید و از طرف مقامات مسئول به عنوان یک سند قانونی تایید و اعلام گردد. با انجام این کار، مرتعدار خود را مالک و صاحب مرتع می‌داند. او اطمینان می‌یابد که اگر روزی کسی به مرتع وی تجاوز نماید، قانون از حق او دفاع خواهد کرد، همانند زارعی که خود را صاحب ملک و باغ خود می‌داند.

بهرحال اگر مرتع صاحب داشته باشد، حافظ هم خواهد داشت. اما پیدا کردن صاحب آن به سادگی میسر نیست و نمی‌توان به هر کس واگذار نمود. پس باید مراحل فوق در حداقل زمان و درعین حال با هوشاری خاصی انجام گیرد.

### ۵- برنامه ریزی

در مرحله بعد با استفاده از اطلاعات پایه ای جمع آوری شده، توسط اکیپ شناخت و با کمک



اعیان منابع طبیعی در نظر بگیریم از دیدگاه اقتصادی، چنانچه دامدار عشایری شیوه تولید خود را به دامداری صنعتی تبدیل می‌نمود، حداقل می‌بایستی ۲۸۶۲ ریال بابت تولید هرکیلو وزن زنده متحمل می‌شد. در صورتی که با شیوه موجود خود ۱۲۴۳/۴ ریال هزینه کرده است. این ما به تفاوت حداقل رانت و حداقل هزینه فرصت استفاده از امکانات مراتع است. این رانت شامل تغذیه علوفه مناسب توسط دام، استفاده از هوا و فضای باز عدم نیاز به نگهداری (استفاده از سگ برای نگهداری مرتع)، استفاده از آب سالم بدون پرداخت آب بها بابت حیات از آن، عدم نیاز به نظافت همانند اماکن بسته، چرای طبیعی و نیاز کمتر به دارو و درمان و ... است. وجود این رانت و عدم پرداخت و احتساب هزینه فرصت استفاده از امکانات طبیعت، سبب شده است که هزینه تمام شده این شیوه دامداری کمتر از صنعتی باشد. محاسبات جدول شماره ۱ محاسبه هزینه تمام شده اقتصادی نیستند. زیرا هزینه فرصت بسیاری از اقلام می‌بایستی با قیمت سایه اقتصادی محاسبه و وارد شوند. در قیاس با این جدول ارقام جدول شماره ۳ تقریباً یک محاسبه هزینه تمام شده اقتصادی است تا حسابداری، زیرا هزینه فرصت بسیاری از اقلام می‌بایستی با قیمت سایه اقتصادی محاسبه و وارد شوند. در قیاس با این جدول ارقام جدول شماره ۳ تقریباً یک محاسبه هزینه تمام شده اقتصادی است تا حسابداری، زیرا هزینه فرصت بعضی از نهاده‌های دست اندرکار تولید چون نیروی کار، خدمات به تولید، حمل و نقل، استهلاک ساختمان و سرمایه مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند. با این وصف احتساب ۱۶۱۸/۶ ریال در سرجمع هزینه‌های تولید هرکیلو وزن زنده دام عشایری، نیز در واقع تعرضی بر احتساب هزینه فرصت تولید آن است و کامل نیست. زیرا در مقایسه با هزینه تولید دام صنعتی صورت گرفته که آن هم یک محاسبه هزینه تمام شده اقتصادی با پوشش دادن قیمت‌های سایه نیست، بلکه این کار صرفاً مقایسه‌ای بین قیمت تمام شده دو شیوه تولید است. که در شیوه عشایری رقم ۱۶۱۸/۶ ریال خود را به عنوان حداقل هزینه فرصت

استفاده از مواهب عرصه و اعیان مراتع و جنگلها نشان داده است. هرچه این رقم کاهش یابد، به عبارت دیگر فاصله دو رقم هزینه تمام شده دام صنعتی با عشایری کاهش یابد، منحنی هزینه‌های متوسط این دو شیوه تولید (دو نگاه اقتصادی) به همدیگر نزدیک می‌شوند. و در واقع شیوه‌های سنتی کوشش می‌کنند پروسه خود را تبدیل به صنعتی بنمایند و در این راه قدم گذارند. علیهذا و بنابر استدلال بند ۳ تا آن موقع هزینه تمام شده دام صنعتی می‌بایستی ملاک ارزیابی و اعمال سیاستهای اقتصادی سیاستگزاران قرار گیرد.

**● نتیجه‌گیری:**

این مقاله کوشش دارد تا تفاوت ساختار هزینه بین دامداری صنعتی و بسته را با شیوه دامداری سنتی عشایر مشخص نماید. تفاوت هزینه موجود بیناگر عدم پرداخت بعضی از اقلام هزینه است و بهره‌مندی از رانت اقتصادی است که دامدار صنعتی از آن بهره‌مند نیست. بنابراین قیمت تمام شده کمتر دامداری عشایری (یعنی ۱۶۱۸/۶ ریال بابت هرکیلو وزن زنده) نشان دهنده کارایی در این بخش نمی‌باشد. بلکه عمدتاً ناشی از استفاده از مواهب طبیعی خدادادی عرصه و اعیان منابع طبیعی یعنی جنگل و مرتع می‌باشد که به دلیل عدم تعریف حقوق مالکانه انتقال از دامدار دریافت نشده است. حفظ تولید صنعت دامداری به عنوان یک کالای ضروری مستلزم ملاک قرار گرفتن قیمت تمام شده دامداری

صنعتی و بسته است. زیرا هزینه متوسط این واحدهای تولیدی در سطح بالاتری قرار دارند. بعلاوه شرط کافی بهره‌برداری متناسب از منابع طبیعی، پیاده کردن مکانیزمی است که رانت اقتصادی از دامداری سنتی اخذ شود تا ضمن جلوگیری از تخریب منابع طبیعی شیوه بهره‌برداری بهینه باندازه توانایی بهره‌دهی نیز پیاده شود.

**پی‌نوشت‌ها:**

۱- مآخذ و رفرنس‌ها: رفرنس‌ها: بعضی اقتصادشناسان در سال ۱۳۷۱، رفرنس‌ها: اقتصادهای توسعه در مرکز پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳۷۲  
 ۲- رفرنس‌ها: خواجه‌نوری، محمدعلی، و محمدعلی، علی، اقتصاد کشاورزی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱  
 ۳- مآخذ: محاسبه اقتصادی دامداری عشایری و صنعتی در استان گلستان و مازندران در پنجمین همایش ملی اقتصاد کشاورزی و منابع طبیعی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲  
 ۴- رفرنس‌ها: (Rent) به معنی ارزش اضافی است که در فرآیند تولید و توزیع ایجاد می‌شود و به دلیل محدودیت عرضه یا تقاضا در یک بازار ایجاد می‌گردد. این مفهوم در اقتصاد به عنوان Economic Rent به معنی درآمد اضافی که به دلیل محدودیت عرضه یا تقاضا در یک بازار ایجاد می‌گردد و به دلیل این محدودیت عرضه یا تقاضا در یک بازار ایجاد می‌گردد.  
 ۵- اقتصادهای توسعه در مرکز پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳۷۲  
 ۶- اقتصادهای توسعه در مرکز پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳۷۲  
 ۷- اقتصادهای توسعه در مرکز پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳۷۲  
 ۸- اقتصادهای توسعه در مرکز پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳۷۲  
 ۹- اقتصادهای توسعه در مرکز پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳۷۲  
 ۱۰- اقتصادهای توسعه در مرکز پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳۷۲